



دانشگاه بوعلی سینا  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه آموزشی زبانشناسی همگانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

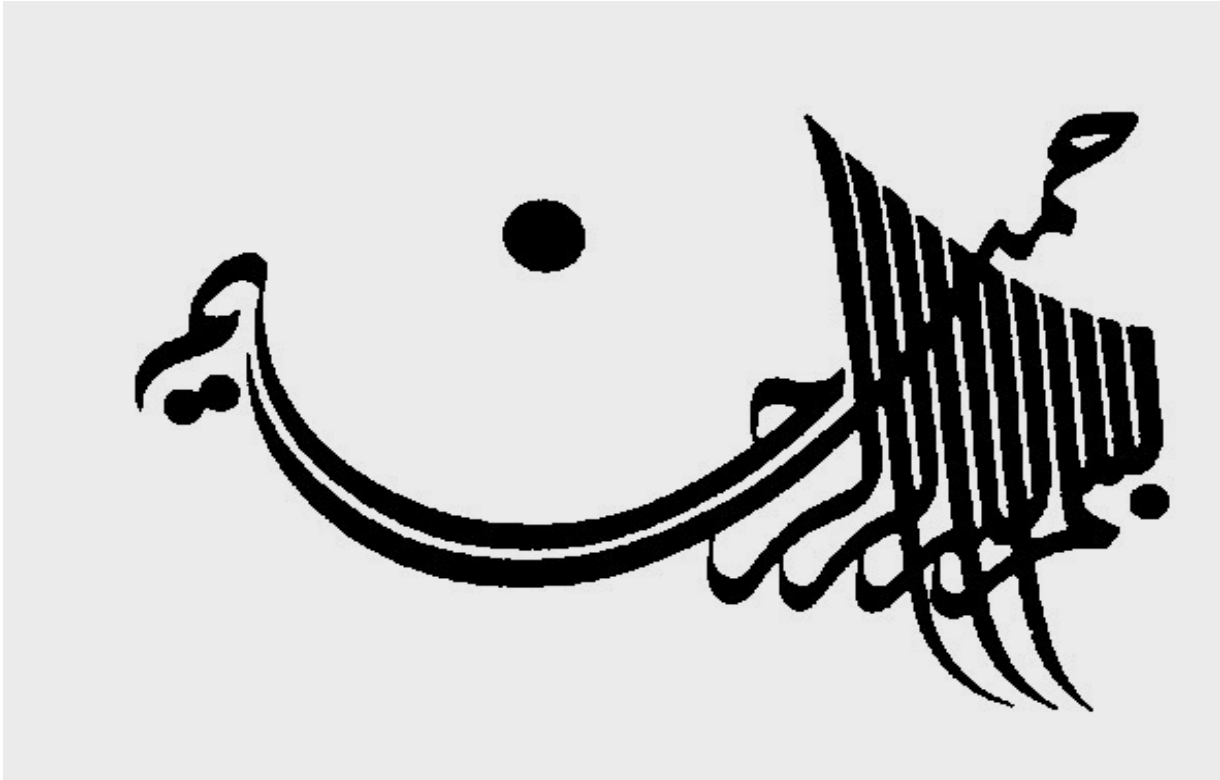
**عنوان:**  
**بررسی رده شناسی وزن شعر  
فارسی بر اساس نظریه وزنی**

استاد راهنما:  
دکتر امید طبیبزاده

استاد مشاور:  
دکتر مهرداد نغزگوی کهن

نگارش:  
پریسا حسینی

مهر 1390





دانشگاه بوعلی سینا  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه آموزشی زبان‌شناسی همگانی

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

**عنوان:**  
**بررسی رده‌شناسی وزن شعر  
فارسی بر اساس نظریه وزنی**

استاد راهنما:  
دکتر امید طبیبزاده

استاد مشاور:  
دکتر مهرداد نغزگوی‌کهن

نگارش:  
پریسا حسینی

مهر 1390

همه امتیازهای این پایان‌نامه به دانشگاه بوعلی سینا تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب این پایان‌نامه در مجلات، کنفرانس‌ها و یا سخنرانی‌ها، باید نام دانشگاه بوعلی سینا (یا اساتید راهنمای پایان‌نامه) و نام دانشجو با ذکر ماخذ و ضمن مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی ثبت شود. در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

تقدیم به استاد ارجمند  
دکتر امید طبیبزاده

نگارش این رساله را مدیون استاد گرانقدرم دکتر امید طیب‌زاده، هستم. در طول سه سال گذشته بی‌نهایت از ایشان آموختم و بدون همفکری و مساعدت‌های بی‌دریغ ایشان که با حوصله و دقت فراوان وقتشان را در اختیار بنده گذاشتند تهیه این رساله امکانپذیر نبود. از استاد مشاور ارجمندم دکتر مهرداد نغزگوی کهن، که مشاورم بودند و اگر سختگیری‌ها و دقت‌نظر ایشان در روش تحقیق و پژوهش نبود بسیاری مطالب را هرگز نمی‌آموختم، کمال تشکر را دارم. از استاد گرامی‌ام دکتر محمد راسخ مهند، که با گشاده‌رویی بسیار در کلاسهایشان مرا از دانششان بهره‌مند ساختند، سپاسگزاری می‌کنم. از دوست عزیزم لیلا ضیامجیدی کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی که در نگارش این رساله بسیار به من کمک کرد و منابعش را بی‌دریغ در اختیارم قرار داد سپاسگزارم.

در پایان از اساتید محترم دکتر محمد راسخ‌مهند و دکتر بختیاری که زحمت مطالعه و داوری این رساله را پذیرفتند سپاسگزاری می‌کنم.



دانشگاه بوعلی سینا  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبانشناسی همگانی

عنوان پایان نامه: بررسی رده‌شناسی وزن شعر فارسی براساس نظریه وزنی

نام و نام خانوادگی دانشجو: پرینا حسینی

استاد راهنما: دکتر امید طیب‌زاده

استاد(ان) مشاور: دکتر مهرداد نغزگوی کهن

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته تحصیلی: زبانشناسی گرایش تحصیلی: همگانی

تاریخ تصویب: تاریخ دفاع: مهر 1390 تعداد صفحات: 110

دانشکده: ادبیات گروه آموزشی: زبانشناسی همگانی

در پژوهش حاضر به بررسی اوزان متحدالارکان در غزلیات حافظ بر اساس نظریه عروض نجفی و نظریه وزنی بروس‌هیز پرداخته‌ایم. در فصل اول ابتدا به بیان کلیات پرداخته‌ایم. در فصل دوم پیشینه مطالعاتی این پژوهش بیان شده‌است. در این فصل به پیشینه مطالعاتی این رساله از دو منظر مطالعات عروضی صرف و نیز مطالعات وزن‌شناختی از منظر زبانشناختی به تفصیل پرداخته شده‌است. سپس در فصل سوم چارچوب نظری پژوهش شرح و توضیح داده شده‌است. در این فصل کلیت نظریه عروض ابوالحسن نجفی را پر توضیح داده‌ایم و سپس به تفصیل، به بیان آن قسمت از نظریه وزنی بروس‌هیز که مرتبط با وزن شعر می‌باشد پرداختیم. در فصل چهارم به معرفی اوزان متحد الارکان به کار رفته در اشعار حافظ پرداخته‌ایم و سپس برای هر کدام از اوزان متحدالارکان به کار رفته در اشعار حافظ، بر روی نمودار توضیحات و توصیفات وزنی و همچنین قواعد مطابقه را که همان ضرورت‌ها و اختیارات شاعری در نظریه نجفی هستند، آورده‌ایم. سلسله مراتب وزنی در شعر عروضی فارسی عبارتند از: مصراع، پاره، شطر، پایه و هجا. ساختار پایه در کلمات زبان فارسی از نوع راستگرا است و بر روی نمودارهای وزنی می‌بینیم که دیگر اجزای سلسله‌مراتبی در وزن عروضی فارسی نیز راستگرا هستند. بدین ترتیب که اجزای ضعیف وزنی در سمت چپ و اجزای قوی در سمت راست قرار می‌گیرند. در فصل پنجم، نیز نتیجه گیری کلی از بحث ارائه شده‌است. اوزان متحدالارکان در شعر عروضی فارسی به راحتی قابل توصیف در نظریه وزنی می‌باشند. در واقع می‌توان گفت قواعدی که در عروض نجفی تحت عنوان ضرورت‌های وزنی و اختیارات شاعری عنوان شده است همان قواعد مطابقه در نظریه وزنی هستند که میزان موزون بودن شعر را توصیف می‌کنند.

کلید واژه ها: (واژه هایی که بیانگر موضوع پایان نامه است)

### فهرست نمودارها

- نمودار 1-1-2-4-1 - غزل «ماهم این هفته برون رفت و به چشمم سالیست»..... 37
- نمودار 2-1-2-4-2 - غزل «حاصل کارگه کون و مکان این همه نیست»..... 39
- نمودار 3-1-2-4-3 - غزل «سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت»..... 41
- نمودار 4-1-2-4-4 - غزل «روزه یک سو شد و عید آمد و دلها برخاست»..... 43
- نمودار 5-1-2-4-5 - غزل «مطلب طاعت و پیمان صلا از من مست»..... 45
- نمودار 6-1-2-4-6 - غزل «زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست»..... 46
- نمودار 7-1-2-4-7 - غزل «روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست»..... 48
- نمودار 8-1-2-4-8 - غزل «خواب آن نرگس فتان تو بی چیزی نیست»..... 50
- نمودار 9-1-2-4-9 - غزل «عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت»..... 51
- نمودار 1-2-2-4-1 - غزل «دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما»..... 53
- نمودار 2-2-2-4-2 - غزل «میر من خوش می روی کاندر سر و پا میرمت»..... 55
- نمودار 3-2-2-4-3 - غزل «ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما»..... 56
- نمودار 4-2-2-4-4 - غزل «یاری اندر کس نمی بینیم یاران را چه شد»..... 58
- نمودار 5-2-2-4-5 - غزل «گفتم ای سلطان خوبان رحم کن بر این غریب»..... 59
- نمودار 6-2-2-4-6 - غزل «آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است»..... 60
- نمودار 7-2-2-4-7 - غزل «صحن بستان ذوق بخش و صحبت یاران خوش است»..... 62
- نمودار 8-2-2-4-8 - غزل «زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست»..... 63
- نمودار 9-2-2-4-9 - غزل «مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست»..... 65



- 66..... نمودار 10-2-2-4 غزل «بلبلی برگ گلی خوشرنگ در متقار داشت»
- 68..... نمودار 1-3-2-4 غزل «خم زلف تو دام کفر و دین است»
- 70..... نمودار 2-3-2-4 غزل «جمالت آفتاب هر نظر باد»
- 72..... نمودار 3-3-2-4 غزل «سحر بلبل حکایت با صبا کرد»
- 73..... نمودار 4-3-2-4 غزل «دل از من برد و روی از من نهان کرد»
- 74..... نمودار 5-3-2-4 غزل «خوشا شیراز و وضع بی مثالش»
- 76..... نمودار 6-3-2-4 غزل «مزن بر دل ز نوک غمزه تیرم»
- 77..... نمودار 7-3-2-4 غزل «وصال او ز عمر جاودان به»
- 78..... نمودار 8-3-2-4 غزل «لبش می بوسم و درمی کشم می»
- 79..... نمودار 9-3-2-4 غزل «دل من در هوای روی فرخ»
- 81..... نمودار 10-3-2-4 غزل «خوش آمد گل وز آن خوشتر نباشد»
- 82..... نمودار 1-4-2-4 غزل «الا یا ایها الساقی ادرکاسا وناولها»
- 84..... نمودار 2-4-2-4 غزل «اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل مارا»
- 86..... نمودار 3-4-2-4 غزل «درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد»
- 88..... نمودار 4-4-2-4 غزل «بتی دارم که گرد گل زسنبل سایه بان دارد»
- 89..... نمودار 5-4-2-4 غزل «هر آن کاو خاطر مجموع و یار نازنین دارد»
- 91..... نمودار 6-4-2-4 غزل «صبا وقت سحر بویی ز زلف یار می آورد»
- 92..... نمودار 7-4-2-4 غزل «دلم جز مهر مهرویان طریقی بر نمی گیرد»
- 93..... نمودار 8-4-2-4 غزل «دمی با غم به سر بردن جهان یکسر نمی ارزد»
- 94..... نمودار 9-4-2-4 غزل «چون خسرو خاور عالم بر کوهساران زد»
- 95..... نمودار 10-4-2-4 غزل «مرا مهر سیه چشمان ز سر بیرون نخواهد شد»

- 96.....نمودار 4-2-4-11- غزل «سمن بویان غبار غم چو بنشینند بنشانند»
- 98.....نمودار 4-2-4-5-1- غزل «ساقیا برخیز و درده جام را»
- 99.....نمودار 4-2-4-5-2- غزل «درد ما را نیست درمان الغیث»
- 100.....نمودار 4-2-4-5-3- غزل «روز وصل دوستداران یاد باد»
- 101.....نمودار 4-2-4-5-4- غزل «ای رخت چون خلد و لعلت سلسبیل»
- 102.....نمودار 4-2-4-5-5- غزل «دردم از یار است و درمان نیز هم»
- 103.....نمودار 4-2-4-5-6- غزل «ما زیاران چشم یاری داشتیم»
- 104.....نمودار 4-2-4-5-7- غزل «نوش کن جام شراب یک منی»
- 105.....نمودار 4-2-4-5-8- غزل «شاهدان گر دلبری زین سان کنند»
- 106.....نمودار 4-2-4-6-1- غزل «عمریست تا من در طلب هر روز گامی می‌زنم»
- 107.....نمودار 4-2-4-6-2- غزل «آن کیست کز روی کرم با ما وفاداری کند»
- 108.....نمودار 4-2-4-7- غزل «سلامی چو بوی خوش آشنایی»

## فهرست مطالب

صفحه

.....	چکیده
.....	فهرست نمودارها
.....	اختصارات
<b>1</b>	<b>1- فصل اول: کلیات پژوهش</b>
2.....	1-1- مقدمه
3.....	2-1- طرح مسئله
3.....	3-1- اهداف پژوهش
3.....	4-1- فرضیه‌ها و پرسش‌های پژوهش
4.....	5-1- روش انجام پژوهش
<b>5</b>	<b>2- فصل دوم: پیشینه مطالعاتی پژوهش</b>
6.....	1-2- مطالعات پیشین عروض فارسی
7.....	2-1-1- روش عروض سنتی
8.....	2-1-2- روش عروض نوین

- 9.....1-2-1-2- یان ریپکا
- 9.....2-2-1-2- خانلری
- 11.....3-2-1-2- مسعود فرزاد
- 12.....4-2-1-2- الول ساتن
- 13.....5-2-1-2- شمیسا
- 13.....2-2- پیشینه نظری تحقیق
- 14.....1-2-2- طیب‌زاده
- 14.....2-2-2- ضیامجیدی
- 15.....3-2-2- طیب‌زاده
- 16.....3- فصل سوم: چارچوب نظری پژوهش
- 17.....1-3- نظریه نجفی
- 17.....1-1-3- تقطیع
- 21.....2-1-3- طبقه‌بندی اوزان
- 24.....2-3- نظریه وزنی بروس هیز
- 32.....4- فصل چهارم: تحلیل غزل‌های دارای وزن متحدالارکان در اشعار حافظ
- 33.....1-4- توصیف اشعار عروضی بر اساس نظریه وزنی
- 35.....2-4- غزلیات متحدالارکان در اشعار حافظ

36.....	1-2-4- فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن.....
52.....	2-2-4- فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعل.....
67.....	3-2-4- مفاعيلن مفاعيلن مفاعيل.....
81.....	4-2-4- مفاعيلن مفاعيلن مفاعيلن مفاعيلن.....
97.....	5-2-4- فاعلاتن فاعلاتن فاعلن.....
105.....	6-2-4- مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن.....
107.....	7-2-4- فعولن فعولن فعولن فعولن.....

## 109 5 - فصل پنجم: نتیجه گیری

112.....	فهرست منابع.....
115.....	واژه نامه.....

# فصل اول

## کلیات پژوهش

## 1 4 - مقدمه

برای تعیین نوع وزن هر شعری به مجموعه‌ای از اطلاعات و امکانات نیاز داریم که بدون آن‌ها ذکر هر دیدگاهی در مورد شعر صرفاً نوعی حدس و گمانه‌زنی محسوب می‌شود. قبل از هر چیز به پیکره یا شواهد مفصلی از اشعار نیاز داریم تا بر اساس آن بتوانیم احتمالات گوناگون را بسنجیم و از میان آن‌ها، آن را که بیشتر از همه با واقعیت انطباق دارد برگزینیم. اگر پیکره ما ناچیز باشد هیچ‌گاه به نظری قطعی در مورد وزن شعر نمی‌رسیم (طیب‌زاده، 1382). در این پژوهش تلاش بر این بوده تا با انتخاب پیکره‌ی کافی و مناسب بتوانیم به نتایجی قطعی و قابل تعمیم برسیم و با به‌کارگیری نظریه‌های جدید وزن‌شناسی که در چارچوب روش‌های صورتگرایی زبان‌شناختی به توصیف اوزان شعری می‌پردازند، به توصیف دقیق‌تری از اوزان شعری دست‌یابیم.

## 1 2 - طرح مسئله

تا پیش از مطرح‌شدن عروض جدید و تثبیت آن، مسئله‌ی وزن شعر فارسی، فقط از دیدگاه عروض سنتی و در حیطه‌ی ادبیات مطرح می‌شد. پس از شکل‌گیری عروض جدید و به خصوص با مطرح‌شدن نظریه‌ای که ابوالحسن نجفی در زمینه عروض فارسی ارائه داد، این مطالعات اندک‌اندک جای خود را در مباحث زبان‌شناسی فارسی یافت. در سیر مطالعات زبان‌شناسی در غرب نیز می‌بینیم که وزن شعر که از دیرباز تنها در حوزه‌ی ادبیات مطرح می‌شد، در قرن بیست با پیشرفت مطالعات زبان‌شناسی، بیش از پیش وارد حوزه زبان‌شناسی و خصوصاً واج‌شناسی شد. به خصوص در طی چند دهه اخیر این مطالعات نتایج قابل توجهی داشته‌اند.

در این پژوهش برآنیم به بررسی این موضوع بپردازیم که آیا نظریه عروض نجفی را می‌توان با اصولی که در نظریه‌وزنی بروس هیز مطرح شده است، تطبیق داد و از این طریق به توصیف دقیق‌تر و صورتگرایی از عروض فارسی در چارچوب وزن‌شناسی زایشی دست‌یافت. در اینجا با به‌کارگیری نظریه وزنی<sup>۲</sup> بروس هیز و عروض ابوالحسن نجفی به بررسی وزن غزل‌های متحدالارکان حافظ پرداخته‌ایم. در این پژوهش از دیوان حافظ، تصحیح غنی و قزوینی، چاپ سال 1380 نشر ققنوس استفاده کرده‌ایم.

<sup>1</sup> formal

<sup>2</sup> Metrical theory

## 1 3 - اهداف پژوهش

- 1 توصیف مباحث مطرح شده در عروض ابوالحسن نجفی در قالب اصطلاحات نظریه وزنی و تطبیق آن با این نظریه.
- 2 تشخیص اجزا و سلسله مراتب وزنی در عروض فارسی و نمایش آن‌ها در نمودارهای وزنی.
- 3 ارائه‌ی روشی صورتگرا برای نشان دادن میزان موزون بودن اشعار عروضی فارسی و دور و نزدیک بودن وزن شعر عروضی به وزن ایده‌آل.
- 4 نشان دادن درجه پیچیدگی ساخت وزنی و خوش ساختی غزلیات متحدالارکان حافظ بر روی نمودارهای وزنی.

## 1 4 - فرضیه‌ها و پرسش‌های پژوهش

فرضیه ما در پژوهش حاضر براین است که می‌توان وزن عروضی فارسی را در قالب نظریه‌وزنی بروس‌هیز توصیف کرد و اجزای آن را بر روی نمودارهای وزنی نشان داد. بنابراین این چهار سوال عمده مطرح میشود.

### پرسش‌ها:

- 1 با توجه به اینکه در نظریه وزنی سلسله‌مراتب وزنی مطرح می‌شود، سلسله مراتب وزنی در شعر فارسی کلاسیک کدام‌ها هستند؟
- 2 آیا اوزان متحدالارکان را می‌توان بر روی نمودارهای وزنی نشان داد و توصیف نمود؟
- 3 آیا قواعد مطابقه که در نظریه وزنی مطرح می‌شوند، همان اختیارات شاعری و ضرورت-های وزنی هستند که در نظریه نجفی مطرح شده‌است؟
- 4 آیا می‌توان با استفاده از نمودارهای وزنی بروس‌هیز میزان خوش ساختی، پیچیدگی ساخت وزنی و درجه موزون بودن اشعار متحدالارکان حافظ را نشان داد؟



## 1-5- روش انجام پژوهش

نوع این پژوهش توصیفی و روش انجام آن بر اساس تحلیل محتوا می‌باشد.

## فصل دوم

### پیشینه مطالعاتی پژوهش

برای مطالعات پیشین انجام شده در این زمینه به دو دسته مطالعات می توان اشاره داشت: یک دسته مطالعاتی است که در تاریخ ادبیات فارسی در مورد عروض شده است و دسته دیگر مطالعات نظری است که در حوزه وزن شعر، اخیراً از سوی پژوهشگران زبان‌شناس انجام شده است.

## 2-1- مطالعات پیشین عروض فارسی:

اولین کسی که در ادبیات، به تدوین و تنظیم یا وضع علم عروض عرب پرداخت، خلیل بن احمد بصری نحوی است. شمس قیس رازی در حدود سال 630 اثر معروف خود *المعجم فی معاییر اشعار العجم* را نوشت که تا امروز کاملترین مرجع و منبع برای مطالعه در عروض سنتی فارسی است. اهمیت این کتاب در حدی بود که جمیع آثار عروضی قبل از خود را تحت شعاع قرار داد، چنان که امروزه از عروض-دانان قبل از شمس قیس کتابی در دست نیست. بعد از شمس قیس هم هیچ حرکت اصیلی در عروض رخ نداد و تمام کتب عروضی تحت تاثیر مستقیم *المعجم* نوشته شدند.

تنها کتابی که می توان آن را هم‌سنگ *المعجم* شمرد *معیار الاشعار* خواجه نصیر طوسی است که حدوداً در همان زمان تالیف *المعجم* نوشته شده و در برخی زمینه‌ها از نظر ابتکار و استقلال رای بر *المعجم* ارجح است (شمیسا، 1386: 88).

بدین ترتیب عروض بعد از شمس قیس و خواجه نصیر، حدود هفت قرن در رکود ماند. در قرون اخیر (از 18 به بعد) مستشرقان که به دلیل آشنایی با عروض لاتین و یونانی باستان، با تقطیع هجایی آشنایی داشتند، اشعار فارسی و عربی را بدان اسلوب تقطیع کردند و باب مطالعات جدیدی در زمینه وزن اشعار عربی و فارسی گشودند. در دوران مشروطه که آشنایی‌هایی با شعر اروپایی حاصل شد، بحث‌هایی هم در زمینه نو کردن عروض در گرفت. کسانی چون عبدالحسین آیتی و یحیی دولت‌آبادی و دیگران کوشش‌هایی در این زمینه کردند که کلاً سطحی بود و هیچ‌کدام موفق به ارائه نظریه بنیادی اصیلی نگشتند (شمیسا 1386: 89). در روزگار ما اشخاص متعددی با شیوه‌های گوناگون به بحث در عروض پرداختند و برخی از آنان موفق به ارائه نظریات تازه‌ای گشتند که مجموعاً به عروض شکلی عملی و تازه داد و توانست گوهر

ساده و بی‌پیرایه عروض را از میان غبار خروارها نام و اصطلاح بیهوده و توجیهاات غلط بیرون آورد. از میان ایشان، مسعود فرزند، دکتر پرویز ناتل خانلری و ابوالحسن نجفی را باید نام برد (شمیسا 1386: 89).

شعر فارسی دری مانند شعر عربی بر پایه کمیت هجاها استوار است؛ به عبارت دیگر وزن شعر عربی و فارسی، کمی است. این ویژگی مشترک میان دو نظام وزنی راه را برای توصیف شعر فارسی بر اساس متحرک و ساکن هموار کرده است. پس بنانهادن ارکان در عروض عربی و فارسی بر اساس «ف،ع،ل» به راحتی امکان‌پذیر بوده است چرا که صیغه‌های به کار رفته در ارکان، بیش از آن که صیغه‌های صرفی باشند، نشان‌دهنده‌ی کمیت هجاها هستند. اما مشکل بزرگی که عروض فارسی آن روبرو بوده است، این بوده که قواعد وزن عروضی عربی بر روی زبان فارسی به کار گرفته شده بوده است. عروض نوین فارسی که عروضدانان بزرگی چون دکتر پرویز ناتل خانلری و مسعود فرزند آنرا پایه‌گذاری نمودند و اغلب با عنوان عروض علمی توصیف می‌شود، از جمله کارهای مهمی که انجام داده است، به نقد کشیدن عروض سنتی بوده است. عروض نوین به جای متحرک و ساکن از صامت و مصوت سخن می‌گوید و به جای اسباب و اوتاد و فواصل از مفهوم جدید و زبان‌شناختی «هجا» و انواع آن سخن به میان می‌آورد.

## 2-1-1- روش عروض سنتی:

مشکل علم عروض فارسی از آنجا آغاز می‌شود که به جای دریافتن روح عروض عربی و دریافتن روش خلیل بن احمد در استخراج ارکان و ترتیب آن‌ها با یکدیگر، به تحمیل نظریه‌ی او بر عروض فارسی اقدام کرده است و از آنجایی که اختلاف عمیقی میان ویژگی‌های وزنی در شعر فارسی و عربی وجود دارد، این علم تقلیدی و به عبارت بهتر این علم تحمیلی در موارد بسیاری ناکام و ناکارآمد گردیده و از عهده‌ی توصیف روشمند ویژگی‌های وزن در شعر فارسی برنیامده است (قهرمانی مقبل، 1389: 20).

عروض سنتی سرشار از اصطلاحات عربی پیچیده‌ای است که از عروض عربی گرفته شده است و همین انباشت اصطلاحات، سبب پیچیدگی بی‌منطق علم عروض فارسی شده است و به عقیده عروض دانانی چون قهرمانی مقبل این پیچیدگی سبب آشفتگی این سیستم نیز شده است، به طوری که عروض